

بررسی اثرات به کارگیری بانکداری اسلامی بر رونق کسب و کار در ایران

نوع مقاله: پژوهشی

کریم نخعی^۱

محمدصادق محمودآبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

چکیده

بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. فضای کسب و کار می‌تواند بر عملکرد مدیران بنگاه‌های تولیدی، نیروی کار، سرمایه‌گذاران اقتصادی، روند تولید و فرایندهای اقتصادی رقابت در عرصه‌های داخلی و جهانی، توسعه صنعتی و اقتصادی تأثیرگذار باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثرات به کارگیری بانکداری اسلامی بر رونق کسب و کار در ایران می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به متغیرهای مدل در این پژوهش از داده‌های بانک مرکزی بهره گرفته شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد مدل نیز از رگرسیون سری زمانی استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار پرداخت عقود اسلامی بر مشارکت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی است. همچنین نتایج نشان داد پرداخت عقود اسلامی با تأخیر یک‌ساله بر مشارکت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی تأثیر معنی‌دار دارد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، کسب و کار، رونق کسب و کار، کسب و کار در ایران

طبقه‌بندی JEL: M21, E5

^۱ استادیار گروه حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)

K.nakhaei@iaubir.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

m.mahmoodabadi26@yahoo.com

مقدمه

بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. فضای کسب و کار می‌تواند بر عملکرد مدیران بنگاه‌های تولیدی، نیروی کار، سرمایه‌گذاران اقتصادی، روند تولید و فرایندهای اقتصادی رقابت در عرصه‌های داخلی و جهانی، توسعه صنعتی و اقتصادی تأثیرگذار باشد. تلاش دولت‌ها برای بهبود فضای کسب و کار بیشتر در اصلاح قوانین موجود در کشور و برداشتن موانع موجود بر سر راه کسب و کار و همچنین اصلاح رویه‌های اجرایی فضای کسب و کار متمرکز بوده است. علاوه بر این نگرش جدید قانون محوری در رویکرد تأمین مالی که به رویارویی میان دو دیدگاه بانک محوری و بازار محوری پایان می‌دهد، ایجاد محیط سالم قانونی که در آن تمام ارکان بازارهای مالی به‌طور اثربخش و کارا فعالیت می‌نمایند را از اصول بهبود فضای کسب و کار می‌داند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۷). سلامت محیط کسب و کار از عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری به‌عنوان یکی از زیربناهای توسعه اقتصادی می‌باشد؛ بدین‌صورت که قوانین مناسب در معاملات تجاری موجب تسهیل حرکت اقتصادی خواهند شد. چنانچه قوانین تجاری به‌صورت مناسبی طراحی شده باشند موجب رشد بخش خصوصی و گسترش شبکه معاملاتی آن‌ها شده و در مقابل قوانینی که طراحی مناسبی نداشته باشند به مانعی برای انجام کسب و کار بدل خواهند شد. در اکثر موارد کسب و کارهایی که با قوانین سنگین و دست و پاگیر مواجه‌اند، سعی دارند با دور زدن قوانین فعالیت‌های تجاری خود را جریان بخشند. از سوی دیگر اقتصادهایی که بالاترین رتبه را در تسهیل و بهبود فضای کسب و کار دارند اقتصادهایی نیستند که قوانین و مقررات کمی در آن‌ها وجود دارد بلکه اقتصادهایی هستند که دولت‌ها قوانین و مقرراتی وضع نموده‌اند که تعاملات در بازار را بدون نیاز به مانع‌تراشی برای رشد بخش خصوصی تسهیل می‌نمایند (شاهین‌پور و کارابولت، ۱۳۹۸).

صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف به‌منظور افزایش رفاه و حل مشکلات اقتصادی ۲ راهبرد را در نظر گرفته‌اند راهبرد خصوصی‌سازی و راهبرد بهبود فضای کسب و کار. از دید برخی، راهبرد بهبود فضای کسب و کار مکمل و حتی پیش‌نیاز راهبرد خصوصی‌سازی است. راهبرد نخست مستلزم واگذاری دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی است و راهبرد دوم مستلزم رفع موانع بخش خصوصی می‌باشد. اگرچه جمع این دو راهبرد از لحاظ نظری امکان‌پذیر است، اما به‌طور معمول کشورهایی که در پی خصوصی‌سازی هستند از موانع بخش خصوصی و بهبود فضای کسب و کار غافل می‌مانند (بانک جهانی^۱، ۲۰۱۸).

1. World Bank

یکی از الزامات بهبود فضای کسب و کار کمک به تأمین مالی بنگاه‌های تجاری و تأمین نقدپذیری لازم برای تأسیس و رشد آن‌ها می‌باشد. از سوی دیگر اصلی‌ترین متولی و کارگزار اصلاح و بهبود فضای کسب و کار اقتصاد و سرمایه‌گذاری در کشور، بی‌شک دولت به مفهوم عام آن و در مقام حاکمیت می‌باشد. مصداق بارز این نکته در شاخص‌های یازده‌گانه محیط کسب و کار بانک جهانی ارائه شده است که هر کدام از این شاخص‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به یک یا چند نهاد و دستگاه اجرایی در مجموعه حاکمیت و دولت وابسته است (سالاری، ۱۳۹۰). این در حالی است که در ایران به دلیل دولتی بودن اقتصاد و تأثیر سیاست‌های دستوری دولت در بهبود شاخص‌های یازده‌گانه فضای کسب و کار دولت به عامل مهم بلکه تنها عامل در تعیین میزان توسعه فضای کسب و کار در کشور تبدیل گردیده است. بانکداری اسلامی به‌عنوان راه‌حلی مناسب به میان آمده تا بتواند با واسطه شده میان کارآفرین و سرمایه‌گذار، با تأمین منابع مالی موردنیاز، به بهبود فضای کسب و کار کمک کرده و در جهت ارتقای وضع اقتصادی کشور گام بردارد (شیبانی‌اصل و همکاران، ۱۴۰۰).

سیستم بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف ریسک را به شیوه مناسب‌تری توزیع می‌کند چرا که در این شیوه بانکداری ریسک باید میان کارآفرین و سرمایه‌گذار توزیع شود. باین‌حال باید توجه داشت که یکی از ملزومات کلیدی توسعه، اقتصادی، تجهیز مناسب منابع داخلی و منابع خارجی در کنار یکدیگر است. در نتیجه با بی‌توجهی به هرکدام از این منابع، پتانسیل لازم برای توسعه اقتصادی تحقق‌نیافته است. در مالیه اسلامی باید بر قابلیت سوددهی سرمایه‌گذاری و نرخ بازده سرمایه‌گذاری متمرکز بود چرا که به دلیل تساوی حقوق طرفین قرارداد سرمایه‌گذاری و مشارکت در سود طرفین طبیعتاً به سمت تخصیص بهینه منابع سرمایه‌گذاری و رسیدن به بیشترین سرمایه‌گذاری مولد متمایل خواهند بود (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰).

بین بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف در ضابطه واسطه‌گری‌های مالی تفاوت وجود دارد. تکیه‌گاه اصلی بانکداری و مالیه، اسلامی عدالت است که عمده‌تاً از طریق مشارکت در ریسک به دست می‌آید. به دلیل ممنوعیت بهره در اسلام سهامداران منصوب به مشارکت در سود و زیان هستند. در حالی که واسطه‌گری متعارف تا حد زیادی مبتنی بر بدهی است و در آن اجازه انتقال ریسک داده می‌شود. در مقابل واسطه‌گری اسلامی مبتنی بر دارایی است و بر مشارکت در ریسک تمرکز دارد. یکی از تفاوت‌های عمده میان بانک‌های متعارف و اسلامی این است که در بانکداری اسلامی اجازه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی از طریق ابزارهایی نظیر اوراق قرضه، دارایی‌های مضر (مهلک و فرعی)

اشتقاقی که بانک‌های اسلامی را تحت تأثیر رقبای متعارفشان قرار داده و باعث دامن زدن به بحران مالی جهانی می‌شوند، داده نشده است (الوقول^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). با توجه به اینکه در بین عوامل تأثیرگذار بر فضای کسب و کار، بانکداری اسلامی ارتباط اجتناب-ناپذیری با شاخص‌های فضای کسب و کار در ایران دارد، لذا پژوهش حاضر در نظر دارد تا به تبیین این ارتباط بپردازد و بررسی کند که تأثیر بانکداری اسلامی بر بهبود فضای کسب و کار چیست و چگونه می‌توان بستر و زمینه را در جهت بهبود این ارتباط فراهم نمود.

۱. فرضیه‌های پژوهش

- پرداخت عقود اسلامی با تأخیر یک ساله بر مشارکت اقتصادی تأثیر معنادار دارد.
- پرداخت عقود اسلامی با تأخیر یک ساله بر درآمدهای مالیاتی تأثیر معنادار دارد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به کلیه عوامل مؤثر بر کسب و کار بنگاه‌های اقتصادی که خارج از کنترل و تسلط بنگاه‌ها می‌باشد فضای کسب و کار اطلاق می‌گردد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹). ثبات اقتصاد کلان، کیفیت زیرساخت-های کشور، کیفیت دستگاه‌های اجرایی، نظام وضع قوانین و مقررات، هزینه و امکان دسترسی به اطلاعات و آمار، فرهنگ و کار و عوامل دیگری از این دست، از جمله عواملی هستند که عملکرد واحدهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (سیف، ۱۳۹۵). پرداختن به مسئله بهبود فضای کسب و کار در سطح جهان همواره مورد توجه بوده است. جوزف استیگلتز در مطالعات خود به بررسی سیاست‌های دو کشور روسیه و چین برای بهبود و رشد اقتصادی پرداخت و اظهار داشت در کشور روسیه بدون توجه به مساعدسازی فضای نامناسب کسب و کار، خصوصی‌سازی انجام شد که در نتیجه‌ی آن رشد اقتصادی در روسیه به نصف کاهش یافته و نابرابری به شدت افزایش یافت. در چین موانع سرمایه‌گذاری شناسایی شده و از میان برداشته شدند که در نتیجه‌ی آن در فاصله زمانی ۱۰ سال، رشد اقتصادی دوبرابر شده و بسیاری از چینی‌ها از فقر رهایی یافتند (استیگلتز^۲، ۱۳۸۳). لزوم توجه به رشد اقتصادی و مؤلفه‌های مؤثر بر فضای کسب و کار در ایران زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۸، ایران رتبه ۱۸۹ را در بین ۱۲۵ کشور به دست آورده است (بانک جهانی، ۲۰۱۸).

1 Al-Oqool

2 Stiglitz

گروه مطالعات محیط کسب و کار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری بیش از ۲۵۰ تشکل اقتصادی سراسر کشور هر سه ماه یکبار، ۲۲ مؤلفه ملی محیط کسب و کار را پایش و نتیجه را برای اطلاع نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعلام می‌کند. نتایج چند دوره از این مطالعات فصلی (۱۳۸۸-۱۳۹۴) نشان می‌دهد مشکل اصلی تولیدکنندگان ایرانی، دیگر مسائل زیرساختی نظیر راه و برق نیست؛ بلکه مسائل نهادی و نرم‌افزاری توسعه همچون ناکارآمدی نظام بانکی در تأمین مالی تولید و نیز فقدان تضمین‌های حقوق مالکیت است (بیگدلی و همکاران، ۱۳۹۵).

از دیدگاه اقتصادی، برای عوامل اقتصادی (خانوار، بنگاه و دولت) دسترسی به اعتبارات و دیگر خدمات بانکی بسیار ضروری است. اعتبارات بانکی، ابزار مناسبی برای تشویق رشد اقتصادی بخصوص در مراحل اولیه توسعه به شمار می‌رود. وقتی اعتبارات بانکی گران و کمیاب می‌شود، تقاضای کل در اقتصاد کاهش یافته و منجر به افزایش بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. همین‌طور به لحاظ آنکه سپرده‌های بانکی مهم‌ترین قسمت عرضه پول ملی را تشکیل می‌دهند و منشأ سپرده‌ها نیز اعتبارات بانکی است، لذا دسترسی به این اعتبارات در میزان تولید، رونق اقتصادی و قیمت تمام شده کالاها بسیار تأثیرگذار است و نوسان در دستیابی به اعتبارات بانکی و هزینه آن، زمینه مناسبی برای بروز ناپسامانی اقتصاد فراهم می‌سازد (بهرامی و قریشی، ۱۳۹۱). با توجه به تغییرات مداوم در عوامل محیطی و سیستم‌های اقتصادی هر روز ریسک‌های متفاوتی بر ساختار مالی بانک‌ها تأثیر می‌گذارد. در این میان نظام بانکداری و مالیه اسلامی با عنایت به ویژگی‌های خاص خود با ریسک‌هایی روبه‌رو است که شناسایی و مدیریت انواع آن بسیار مهم است، به‌طوری که می‌تواند به طراحی روش‌ها، استانداردها، آموزش‌ها و سیستم‌هایی برای کنترل، کاهش و پیشگیری از رخدادهای نامطلوبی که اثر تخریبی بر حیات بانک‌های اسلامی دارد، منجر بشود (بارو^۱، ۲۰۱۲).

بانکداری اسلامی با داشتن ویژگی‌های همچون ممنوعیت بهره (ربا)، ممنوعیت سرمایه‌گذاری‌های غیراخلاقی، خالی بودن معاملات بانکی از بیع الغرر، عدم وجود بی‌ثباتی و نوسان، خالی بودن معاملات بانکی از ضرر، ارتباط تأمین مالی با بهره‌وری، تأکید بر قراردادهای عادلانه، مطلوبیت حاصل از به اشتراک‌گذاری سود، زکات و قرض‌الحسنه باعث می‌شود که:

۱- کارآمدی افزایش پیدا کند زیرا در ساختار اقتصاد اسلامی وجوه آماده برای سرمایه‌گذاری که بر مبنای روش‌های تأمین مالی مشارکتی به دست می‌آیند به تسهیلات گیرندگانی تعلق پیدا می‌کنند که پروژه‌های مولدتری دارند، نه به تسهیلات گیرندگانی که شایستگی اعتباری بیشتری دارند و از این روش است که کارایی افزایش می‌یابد. همچنین نظام اسلامی که در برخی موارد بر مبنای مشارکت

1 Barro

در سود بین پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران فعالیت می کند منافع طرفین را هماهنگ کرده و در نتیجه از این راه نیز کارایی را افزایش می دهد (الشاماری^۱، ۲۰۰۳؛ الجراح و مولیانیکس^۲، ۲۰۰۵).

۲- ثبات مالی بیشتری در بازار سرمایه حاکم شود. یکی از علل آن وجود هم زمانی بین تعهدات پرداختی و دریافتی است یکی از پایه های ثبات در نظام تأمین مالی اسلامی، از برابری و هم زمانی موجود بین تعهدات پرداخت واسطه مالی و درآمدهای دریافتی اش نتیجه می شود؛ چیزی که در روش های تأمین مالی مشارکتی به دست می آید (کیهاک و هیس^۳، ۲۰۰۸).

۳- مخاطره اخلاقی کاهش یابد. بانک های اسلامی با توجه به داشتن بهره وری و فقدان سرمایه گذاری های غیر اخلاقی، عدم اطمینان بیش از حد و ضرر در قراردادهای مضر و غیره از مزیت بالاتری نسبت به بانک های متعارف برای کاهش خطر اخلاقی و مشکلات انتخاب معکوس برخوردارند علاوه بر این تمایل به افزایش سپرده ها و جذب سپرده بیشتر بانک های اسلامی را به راه اندازی برنامه های فرهنگی برای آموزش کارکنان خود در ابعاد مذهبی از فعالیت هایشان تحریک می کند دانش شریعت همراه با سطح بالایی از استعداد فرهنگی اعتبار بانک اسلامی را تقویت می کند و یک مزیت رقابتی ایجاد می کند (گواید و ساسی، ۲۰۱۰).

۴- فقر کاهش یابد. بانکداری اسلامی با در اختیار قرار دادن سرمایه به کسانی که ثروتمند نیستند ولی مهارت های لازم برای موفقیت پروژه را دارند (مانند دانشمندان، مهندسان یا صنعت گران) و احتمالاً شانس بیشتری برای به دست آوردن سرمایه گذاری داشته باشند، می توانند فاصله و تضاد طبقاتی بین اقشار جامعه را رفته رفته از بین ببرند (دوسوکی^۴، ۲۰۰۸).

با توجه به مزایای ذکر شده برای بانکداری اسلامی، انتظار می رود که در کشور ایران با از میان برداشتن موانع تولید و تأمین سرمایه از طریق نظام بانکداری اسلامی، شاهد رشد اقتصادی روزافزون در کشور باشیم. مطالعات و پژوهش های متعدد در زمینه بانکداری و شاخص های بهبود فضای کسب و کار نیز این گفته را تأیید می کنند. در ادامه به برخی از این مطالعات اشاره می شود:

بیگدلی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تجربی تأثیر ریسک فضای کسب و کار بر رابطه بین ریسک اعتباری و عملکرد مالی بانک ها در صنعت بانکداری ایران پرداختند. روش تحقیق از حیث هدف کاربردی و از نوع همبستگی بود. قلمرو زمانی تحقیق سال های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵ بود. داده های تحقیق به صورت سالانه از صورت های مالی بانک های فعال در صنعت بانکداری ایران گردآوری و

1 Alshammari

2 Al-Jarrah & Molyneux

3 Cihak, M., Hesse

4 Dusuki

استخراج شد. برای تحلیل داده‌های تحقیق و آزمون فرضیه‌ها از دو مدل رگرسیون ترکیبی با اثرات تصادفی و ثابت استفاده شد. بر پایه نتیجه فرضیه اول تحقیق، ریسک اعتباری بر عملکرد مالی در صنعت بانکداری ایران اثر معکوس و معنی‌داری دارد. بر پایه نتیجه فرضیه دوم تحقیق، ریسک فضای کسب و کار بر عملکرد مالی در صنعت بانکداری ایران اثر معکوس و معنی‌داری دارد. بر پایه نتیجه فرضیه سوم تحقیق، ریسک فضای کسب و کار بر رابطه بین ریسک اعتباری و عملکرد مالی در صنعت بانکداری ایران اثر معکوس و معنی‌داری دارد. سایر یافته‌های پژوهش، حاکی است که تسهیلات اعطایی، اهرم مالی و اندازه بانک‌ها بر عملکرد مالی در صنعت بانکداری ایران اثر مستقیم و معنی‌دار دارد.

شاهین پور و کارابولت (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر عقود اسلامی بانکی بر فضای کسب و کار در ایران هست. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به متغیرهای مدل در این پژوهش از داده‌های بانک مرکزی و سایت بانک جهانی بهره گرفته شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد مدل نیز از رهیافت خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده می‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار مانده تسهیلات قرض‌الحسنه، مانده تسهیلات قراردادهای مبادله‌ای و مانده تسهیلات قراردادهای مشارکتی بر فضای کسب و کار هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت بوده است. همچنین شاخص توسعه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت بر فضای کسب و کار تأثیر مثبت داشته‌اند. تأثیر منفی تورم هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت بر فضای کسب و کار در کشور اثبات گردیده است. بر اساس برآورد مدل تصحیح خطا عدم تعادل‌های کوتاه‌مدت متغیر وابسته سالانه به میزان ۵۴٪ کاهش یافته و به سمت تعادل بلندمدت حرکت می‌کند. قوامی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به‌صورت تطبیقی اثر علامت‌دهی متغیرهای قراردادهای مالی بدهی و مشارکتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش تلاش شده است با عنایت به مباحث بانکداری اسلامی در خصوص عقود مشارکتی و تجربیات بانکداری متعارف به‌منظور بهبود کارایی قرارداد مالی علاوه بر بعد اقتصادی نسبت به توسعه بعد اجتماعی قراردادهای با لحاظ ارزش‌های اخلاقی و اسلامی نظیر صداقت امانت‌داری که در ارائه رفتار متعهدانه مؤثر است؛ اقدام گردد. همچنین این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که با توجه به ویژگی‌های خاص عقود مشارکتی به‌ویژه پتانسیل اثر علامت‌دهی مؤلفه نسبت تسهیم سود در آن می‌توان مشکلات موجود در نظام بانکی اسلامی را به حداقل رساند.

جاوید و ربیعی مندجین (۱۳۹۷) بررسی تطبیقی شرایط عقود اسلامی و قراردادهای پشتیبانی بانکداری اسلامی را در بانک شهر انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان دادند که در سه نوع از

قراردادهای بانکداری (خرید اقلام، طراحی تهیه و راه اندازی سیستم ها و سرویس و نگهداری تجهیزات) تا بیش از ۸۲ درصد انطباق و در دو نوع از قراردادها (واگذاری منافع و حق بهره برداری از زمین و اجاره ملک) تا ۹۱ درصد انطباق با شرایط و توصیه های اسلام برای عقد قرارداد، وجود دارد.

فشارکی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر گرایش کارآفرینانه بر رشد کسب و کار از طریق برندسازی را بررسی نموده اند. یافته های پژوهش حاکی از تأثیر مثبت و معنادار گرایش کارآفرینانه بر رشد کسب و کار و برندسازی، تأثیر مثبت و معنادار برندسازی بر رشد کسب و کار و نیز رابطه مثبت و معنادار گرایش کارآفرینانه بر رشد کسب و کار به صورت غیر مستقیم از طریق برندسازی بوده است. نتایج تحقیق علاوه بر آنکه از جهت نظری حائز اهمیت بوده و ارتباط بین دو حوزه کارآفرینی و بازاریابی را برقرار می سازند، از جهت کاربردی نیز می توانند راهگشای فعالان صنعت قرار گیرند.

حسینی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر مدل های کسب و کار بر عملکرد بانک ها در صنعت بانکداری ایران پرداخت. برای بررسی این موضوع تعداد ۱۷ بانک فعال در صنعت بانکداری ایران در دوره زمانی ۱۰ ساله انتخاب شدند. دوره مورد مطالعه نیز سال های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴ در نظر گرفته شده است. برای بررسی تنوع گرایی کسب و کار از شاخص هرفیندال هریشمن در بخش دارایی، درآمد و سپرده ها استفاده شده و برای بررسی عملکرد دو نوع بازده یکی بازده دارایی و دیگری بازده حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. روش آماری مورد استفاده برای بررسی رابطه متغیرها رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده های ترکیبی بوده است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داد که تنوع دارایی ها، تنوع درآمد و تنوع سپرده ها بر عملکرد بانک ها تأثیر مثبت و معنی دار دارند.

امجدی و شافعی (۱۳۹۶) تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص های بهبود فضای کسب و کار کشورها را به عنوان مکانیزمی جهت ارتقای بهره وری تحقیق نموده اند. نتایج بررسی ها نشان می دهد که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص های شروع کسب و کار ثبت و انتقال مالکیت اشتراک برق سهولت اخذ اعتبار و پرداخت مالیات تأثیر مثبت داشته است این در حالی است که تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص های اخذ مجوز، حمایت از سهامداران جزء تجارت بین المللی حمایت از سهامداران جدید الزام آور بودن قراردادها و شاخص ورشکستگی اثبات نگردیده است.

محرم اوغلی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر عملکرد بانکداری بر رشد بخش های صنعت با تأکید بر بانکداری اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته است. جهت بررسی این رابطه نیز از تکنیک داده های تلفیقی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که عملکرد بخش بانکی و رشد بانکداری اسلامی تأثیر معناداری بر رشد بخش های صنعت دارد.

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی در پنج کشور منتخب اسلامی طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ پرداختند. جهت بررسی این رابطه نیز از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی با رویکرد حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد. نتایج برآورد الگو نشان داد که بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب تأثیر مثبتی داشته است.

سیدجوادین و همکاران (۱۳۹۶) مدلی مفهومی به‌منظور تبیین آمادگی بانک‌های تجاری در ایران برای پیاده‌سازی بانکداری اسلامی از طریق به‌کارگیری استراتژی داده بنیاد طراحی نموده‌اند. بر اساس آن بخش بانکی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اقتصادی، پولی و مالی کشور مطرح است. از سوی دیگر، در نظام اقتصادی اسلام، وظیفه حیاتی یادشده را سیستم بانکداری اسلامی بر عهده دارد. فرایند استقرار بانکداری اسلامی در اقتصاد کشور با گذشت چهار دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا به دلیل وجود نقص‌های موجود در آن عملیاتی نشده است. از این رو پژوهش آن‌ها با رویکردی بنیادی و جامع به ارائه مدلی مفهومی برای تبیین آمادگی بانک‌های تجاری به‌منظور پیاده‌سازی بانکداری اسلامی در فضای اقتصاد ایران پرداخته است. این پژوهش از نوع رویکرد آمیخته اکتشافی بوده است. نتایج پژوهش در قالب مدل تأیید و برآورد شده و شامل شش بعد اصلی و ۴۳ بعد فرعی ارائه گردیده است. باختیار^۱ (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین عملکرد بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی با استفاده از اطلاعات شش بانک اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ پرداخته است. نتایج حاصل از به‌کارگیری روش رگرسیون پیرسون نشان داد ارتباط منفی معنی‌دار بین اجاره، مرابحه و رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای مورد بررسی وجود دارد.

ترکی و همکاران^۲ (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر دارایی‌های مالی اسلامی بر متغیرهای عمده کلان اقتصادی برای نظام بانکی کشور اسلامی اردن پرداختند. جهت نیل به این مقصود از دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ با لحاظ تکنیک داده‌های پانلی بهره گرفته شد و متغیرهای تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری داخلی و تورم به‌عنوان متغیرهای وابسته کلان اقتصادی در نظر گرفته شدند. در نهایت بر اساس نتایج رگرسیونی دارایی‌های مالی اسلامی تأثیر مثبتی بر متغیرهای تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری داخلی داشته‌اند در حالیکه این تأثیر بر تورم منفی بوده است. جوهانسون^۳ (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر جریان رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۰۶ پرداخت. این مطالعه برای ۷۵ کشور منتخب جهان با استفاده از روش‌های حداقل مربعات

1 Bakhita

2 Torki et al

3 Johnson

معمولی (OLS) حداقل مربعات دومرحله‌ای (SLS) انجام گرفت و نتایج نشان داد همبستگی معنی‌داری بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه وجود ندارد. عبد لمنپ و همکاران^۱ (۲۰۱۲) به بررسی رابطه علی بین رشد اقتصادی و بانکداری اسلامی در کشور مالزی با استفاده از داده‌های فصلی برای دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج به کارگیری آزمون علیت تودا یا ماموتو نشان داد که علیت گرنجری قوی یک‌طرفه از سمت تأمین مالی اسلامی به رشد اقتصادی در این کشور وجود دارد.

ماهر و دریدی^۲ (۲۰۱۰) عملکرد بانک‌های اسلامی و متعارف را در دوره بحران مالی جهان بررسی نموده‌اند. در این پژوهش تأثیر بحران مالی بر سودآوری رشد دارایی و اعتبارات بانک‌ها را در یک گروه از کشورهایی که این دو نوع نظام بانکی سهم عمده‌ای از بازار داشتند ارزیابی گردیده است. نتایج بررسی نشان داد رشد اعتبار و دارایی بانک‌های اسلامی بهتر از بانک‌های متعارف در سال‌های بحران مالی جهان در ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بوده است.

کر بهری و همکاران^۳ (۲۰۰۴) چالش‌ها و مشکلات سیستم بانکی اسلامی در غرب و اروپا را با تأکید بر انگلستان بررسی نموده‌اند. نتیجه مصاحبه با مدیران ارشد سازمان‌های کلیدی است که در انگلستان خدمات بانکداری اسلامی ارائه می‌دهند در نتیجه مشکلات بانک‌های اسلامی مانند تعیین مالیات بر سود سپرده‌گذاران مدیریت ریسک و، نقدینگی کمبود نیروی متخصص و آموزش دیده آنها است. سارکر^۴ (۲۰۰۴) مشکلات و موانع اجرا و دیدگاهی بانکداری اسلامی را در بنگلادش بیان نموده است. با مطالعه موردی بانکداری اسلامی در بنگلادش ادعا کرده که بانک‌های اسلامی در بنگلادش با گونه متفاوتی از ریسک نسبت به بانک‌های تجاری سنتی روبه‌رو هستند.

۳. روش‌شناسی

با توجه به اینکه، نتایج این پژوهش می‌تواند توسط کسب و کارها و سیستم بانکداری و سایر مراکز علمی- پژوهشی مورد استفاده قرار بگیرد، از اینرو، جزو پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. از طرفی با بررسی ارتباط بین چند متغیر، در زمره تحقیقات همبستگی قرار می‌گیرد و از آنجا که جهت ارزیابی وضعیت موجود و پیش‌بینی آینده از اطلاعات گذشته (پس از وقوع) بهره می‌برد، جزو تحقیقات پس رویدادی است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به متغیرهای مدل در این پژوهش از داده‌های

1 Abdul Manap et al

2 Maher & Dridi

3 Karbhari

4 Sarker

بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۲ بهره گرفته شده است و به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار R، رهیافت رگرسیون سری زمانی و آزمون ریشه واحد دیکی-فولر و آزمون بروش گادفری استفاده شد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت با استفاده از استنباط آماری داده‌های جمع آوری شده تحلیل خواهد شد. در این راستا تحلیل با روش‌های مناسب آماری توسط نرم‌افزار R انجام گرفته است. جهت برآورد اثرات متغیر مستقل بانکداری اسلامی بر رونق کسب و کار در ایران از رهیافت رگرسیون سری زمانی استفاده شده است. مدل مورد بررسی نیز با استناد بر مبانی نظری و مطالعات تجربی صورت گرفته، به صورت زیر معرفی گردیده است:

$$ECO_t = \beta_0 + \beta_1 IC_t + \beta_2 IC_{t-1} + e_{it} \quad \text{مدل اول:}$$

$$TAX_t = \beta_0 + \beta_1 IC_t + \beta_2 IC_{t-1} + e_{it} \quad \text{مدل دوم:}$$

در مدل فوق

TAX درآمدهای مالیاتی

ECO مشارکت اقتصادی

IC عقود اسلامی

IC_{t-1} عقود اسلامی با تأخیر یک‌ساله

e خطای استاندارد مدل است.

در این قسمت با استفاده از استنباط آماری داده‌های جمع آوری شده تحلیل خواهد شد. در این راستا تحلیل با روش‌های مناسب آماری توسط نرم‌افزار R انجام گرفته است. بدین منظور همان‌طور که در روش‌شناسی پژوهش بدان اشاره شد، این متغیرها با استفاده رگرسیون سری زمانی به دست می‌آید.

به‌منظور برازش مدل، ابتدا آزمون ریشه واحد دیکی-فولر را برای بررسی مانایی متغیرها موردبررسی قرار داده که نتایج در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: آزمون ریشه‌ی واحد برای متغیرها

نماد	IC	TAX	ECO
متغیر	عقود اسلامی	درآمدهای مالیاتی	مشارکت اقتصادی
آماره آزمون	-۵/۴۷	-۳/۹۸۳	-۹/۲۳
P-مقدار آزمون	۰/۰۱	۰/۰۲۴	۰/۰۱

همان‌طور که ملاحظه می‌شود برای تمامی متغیرها P-مقدار از ۰/۰۵ کمتر بوده است. ازاین‌رو می‌توان مانایی تمامی متغیرها را پذیرفت. برای بررسی خودهمبستگی سریالی از آزمون بروش گادفری استفاده شد. همچنین پیش‌فرض همسانی واریانس‌ها با استفاده از آزمون بروش پاگن مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲: آزمون‌های تشخیصی رگرسیون سری زمانی

مدل اول			
نوع آزمون	آماره آزمون	P-مقدار	نتیجه
جارك-برا	۰/۸۸۶	۰/۶۴۲	نرمال بودن داده‌ها مورد تأیید است.
بروش گادفری	۰/۱۷۳	۰/۶۷۳	خود همبستگی سریالی وجود ندارد.
بروش پاگن	۰/۴۷۳	۰/۴۹۲	همسانی واریانس‌ها برقرار است.
مدل دوم			
نوع آزمون	آماره آزمون	P-مقدار	نتیجه
جارك-برا	۰/۸۸۶	۰/۶۴۲	نرمال بودن داده‌ها مورد تأیید است.
بروش گادفری	۱/۱۵	۰/۲۸۵	خود همبستگی سریالی وجود ندارد.
بروش پاگن	۰/۳۰۰	۰/۵۸۳	همسانی واریانس‌ها برقرار است.

آزمون بروش-گادفری وجود همبستگی سریالی را در خطای مدل تأیید نکرده است. همچنین آزمون بروش-پاگن وجود همسانی واریانس خطا را تأیید می‌کند. پس از بررسی آزمون‌های تشخیصی به این نتیجه رسیده که پیش‌فرض‌های به‌منظور برازش مدل برقرار بوده است. نتایج این رگرسیون در جدول زیر آمده است:

جدول ۳: نتایج مدل‌های پژوهش

$ECO_t = \beta_0 + \beta_1 IC_t + \beta_2 IC_{t-1} + e_{it}$						
متغیرها	VIF	ضریب	انحراف استاندارد خطا	آماره t	p-مقدار	نتیجه
عرض از مبدأ	-	۸۳/۳	۴۳۹/۰	۷۲/۸	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
IC_t	۲/۳۲	۰/۱۶	۰۰۲۸/۰	۸۳/۵	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
IC_{t-1}	۳۸/۲	۰/۱۳	۰۰۳۹/۰	۱۶/۳	۰/۰۰۲	معناداری در مدل
ضریب تعیین		۵۹۷/۰				
F آماره		۹/۱۰۳		p-مقدار		۰/۰۰۰
$TAX_t = \beta_0 + \beta_1 IC_t + \beta_2 IC_{t-1} + e_{it}$						
متغیرها	VIF	ضریب	انحراف استاندارد خطا	آماره t	p-مقدار	نتیجه
عرض از مبدأ	-	۵۶/۷	۶۸۷/۰	۰۰/۱۱	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
IC_t	۲/۳۲	۰/۴۸	۰۰۴۴/۰	۹۲/۱۰	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
IC_{t-1}	۳۸/۲	۰/۲۷	۰/۶۱	۳۸۱/۴	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
ضریب تعیین		۶۷۲/۰				
F آماره		۳/۲۳۶		p-مقدار		۰/۰۰۰

بر مبنای شاخص VIF، بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد زیرا ماکسیمم این شاخص در بین متغیرها کمتر از ۵ بوده است. از این رو می‌توان مدل برازش شده را معتبر دانست و آزمون F و شاخص‌های اعتبار آن از جمله ضریب تعیین را مورد بررسی قرار داد. آزمون F نشان می‌دهد که در تمامی مدل‌ها متغیرهای مستقل مدل قابلیت پیش‌بینی متغیر وابسته را داشته‌اند، زیرا P-مقدار این

آزمون کمتر از ۰/۰۵ بوده است. همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که در مدل‌ها به ترتیب ۵۹/۷ درصد و ۶۷/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. با توجه به نتایج، آماره t نشان می‌دهد که متغیر مستقل IC_t در هر دو مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً -مقدار (۰/۰۰) یز کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت: پرداخت عقود اسلامی بر مشارکت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی تأثیر معنی‌دار دارد. با توجه به نتایج، آماره t نشان می‌دهد که متغیر مستقل IC_{t-1} در هر دو مدل در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت: پرداخت عقود اسلامی با تأخیر یک‌ساله بر مشارکت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی تأثیر معنی‌دار دارد.

نکته حائز اهمیت در تفسیر نتایج پژوهش حاضر آن است که عقود اسلامی، ماهیتی یکسان نداشته و هر یک از آن‌ها می‌توانند آثار متفاوتی بر کسب‌وکارها بر جای بگذارند. به‌طور خاص، عقود مشارکتی مانند مشارکت مدنی و مضاربه، به‌دلیل مبتنی بودن بر تسهیم ریسک و سود، بیشتر با رشد بلندمدت، نوآوری و تقویت انگیزه‌های کارآفرینانه مرتبط هستند، در حالی که عقود مبادله‌ای نظیر مباحه و اجاره به شرط تملیک عمدتاً نقش تأمین مالی کوتاه‌مدت و مدیریت نقدینگی بنگاه‌ها را ایفا می‌کنند. با این حال، در پژوهش حاضر به‌دلیل محدودیت داده‌ها، تحلیل به‌صورت کلی و بدون تفکیک انواع عقود اسلامی انجام شده است. از سوی دیگر، شدت و جهت روابط مشاهده‌شده میان عقود اسلامی و متغیرهای مرتبط با کسب‌وکار می‌تواند متأثر از کیفیت اجرای این عقود در نظام بانکی باشد. در شرایطی که برخی عقود به‌صورت شکلی و بدون نظارت مؤثر اجرا می‌شوند، انتظار تحقق کامل آثار نظری بانکداری اسلامی کاهش می‌یابد. بنابراین، بخشی از نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش را می‌توان در چارچوب تفاوت میان اجرای صوری و اجرای واقعی عقود اسلامی تبیین کرد. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم امکان بررسی کیفیت اجرای واقعی عقود اسلامی در نظام بانکی اشاره کرد. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، امکان تمایز میان اجرای صوری و اجرای محتوایی عقود را فراهم نمی‌سازد؛ در حالی که در عمل، میزان نظارت بانک‌ها و پایبندی به اصول بانکداری اسلامی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اثرگذاری این عقود بر کسب‌وکارها داشته باشد. از این‌رو، نتایج پژوهش حاضر بیشتر ناظر بر روابط کمی بوده و تحلیل عمیق فرآیند اجرای عقود در حیطه این مطالعه قرار نداشته است.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش نشان داد بانکداری اسلامی بر درآمد مالیاتی و رشد اقتصادی مؤثر است. در تبیین نتایج حاصل از این قسمت باید اذعان کرد پرداخت عقود اسلامی به بنگاه‌های اقتصادی، موجب تعمیق مالی می‌شود. تعمیق مالی را می‌توان افزایش اندازه نظام مالی و نقش و نفوذ آن در اقتصاد تعریف نمود که از طریق تقویت فعالیت نهادهای مالی آگاه و در نتیجه افزایش رقابت، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های مبادلاتی را کاهش داده و سبب متنوع سازی ریسک می‌شود؛ که این امر به نوبه خود منجر به تخصیص بهینه سرمایه و در نهایت کارایی و بهره‌وری می‌گردد. عقود اسلامی این قابلیت را دارند تا از طریق ثبات مالی، مشارکت در سود و زیان، افزایش حجم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، رونق در بازارهای مالی، تنوع عقود اسلامی و تأمین مالی خرد با بهبود کارایی تخصیص سرمایه، توسعه بنیان‌های تولیدی، تجهیز پس‌اندازهای کوچک و پراکنده و ابداعات تکنولوژیکی رشد اقتصادی را به‌صورت درون‌زا متأثر نماید. زمانی که مشارکت اقتصادی از این رهگذر افزایش یابد، تعداد بنگاه‌های اقتصادی بزرگ و کوچک نیز بیشتر شده و در نتیجه درآمدهای مالیاتی نیز افزایش می‌یابد.

نتایج حاصل از این فرضیه پژوهش با نتایج پژوهش عبد لمنپ و همکاران (۲۰۱۲)؛ جوهانسون (۲۰۱۳)؛ باخیتا (۲۰۱۷)؛ سیدجوادین و همکاران (۱۳۹۶)؛ جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۴) حسینی (۱۳۹۶) همخوانی دارد و در این پژوهش‌ها نیز به این نکته اشاره شده است که نظام بانکداری اسلامی با داشتن شرایط خاص خود رفته رفته موجب اصلاح و بهبود وضعیت اقتصادی و روند کسب و کار در کشور می‌شود.

در بخش دیگر یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که پرداخت عقود اسلامی با تأخیر یک‌ساله بر مشارکت اقتصادی تأثیر معنی‌دار دارد. در تبیین یافته‌های حاصل از این فرضیه باید اظهار کرد زمانی که عقود اسلامی بر پایه قوانین و مقررات اسلامی به بنگاه‌های خرد و کلان اقتصادی پرداخت شود، پس از یکسال نیز همان نتیجه را در بر داشته و رشد اقتصادی را موجب می‌شود. چه بسا پس از یکسال رشد اقتصادی بیشتر هم شده باشد و بسیاری از مشکلاتی که از قبیل کمبود سرمایه و نقدینگی ایجاد شده بوده نیز مرتفع شده است.

همچنین نتایج حاکی از آن بود که پرداخت عقود اسلامی با تأخیر یکساله بر درآمدهای مالیاتی نیز تأثیر معنادار دارد. در تبیین این یافته پژوهش نیز باید گفت زمانی که بانک‌های اسلامی با ارائه تسهیلات با درصد سود پایین موجب می‌شوند انگیزه بنگاه‌های اقتصادی جهت رونق و گسترش کسب و کارشان بیشتر از قبل شود و به مرور زمان نیروی انسانی بیشتری را نیز جذب کنند که همین نیروی انسانی در صورتی که از استعداد و توانایی‌های نهفته خویش به خوبی بهره ببرند، می‌توانند در آینده برای خود به تنهایی ایجاد کسب و کار کنند و این یعنی درآمد مالیاتی بیشتر برای دولت و کشور؛

بنابراین پس از یکسال نیز نتایج همچنان باید نشان دهد که عقود اسلامی می‌توانند ایجاد درآمد مالیاتی کنند.

نتایج حاصل از این بخش پژوهش با نتایج پژوهش‌های فشارکی و همکاران (۱۳۹۶)؛ امجدی و شافعی (۱۳۹۶)؛ ترکی و همکاران (۲۰۱۵)؛ ماهر و دریدی (۲۰۱۰)؛ کرپهری و همکاران (۲۰۰۴) و سارکر (۲۰۰۴) همخوانی دارد و در این پژوهش‌ها نیز تأکید شده است که عمل به قوانین بانکی در چارچوب اسلام و آموزه های اخلاقی زمینه رشد و بهبود شرکت و منافع کارکنان را فراهم می‌آورد که این خود موجب محقق شدن رشد اقتصادی و ایجاد درآمد مالیاتی بیشتر است.

براساس نتایج به دست آمده از فرضیات این پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- ترویج بانکداری اسلامی بدون ربا به صورتی که تأمین مالی در راه درست سرمایه-گذاری صورت پذیرد که به نفع اقتصاد و رونق در تولید داخلی و رشد اقتصادی خواهد بود.

- صدور مجوز فعالیت به بانک‌های اسلامی خارجی در ایران نیز می‌تواند به ترویج نوآوری بیشتر در صنعت بانکداری اسلامی داخلی کمک کند.

- با افزایش تعداد بانک‌های اسلامی و مؤسسه‌های مالی اسلامی نیاز به داشتن نیروی انسانی با مهارت کافی برای مدیریت این نهادها حس می‌شود در این جهت، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی تخصصی برای تولید نیروی انسانی ماهر مورد نیاز است.

- دقت واگذاری در تسهیلات بانکی و سوق دادن منابع مالی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مناسب

بر این اساس، تفسیر نتایج پژوهش حاضر مستلزم توجه هم‌زمان به نوع عقود اسلامی و کیفیت اجرای آن‌ها در نظام بانکی است. بدیهی است که تحقق کامل کارکردهای مورد انتظار بانکداری اسلامی در حمایت از کسب‌وکارها، منوط به اجرای واقعی، نظارت مؤثر و پرهیز از استفاده صرفاً شکلی از عقود اسلامی خواهد بود.

منابع

۱. استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۳). اصلاحات به کجا می‌رود؟ ده سال تجربه‌گذار. ترجمه: جعفر خیرخواهان. تهران: دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. اکبریان، رضا و جوکار، خدیجه (۱۳۹۳). تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی. *فصلنامه علمی-ترویجی بانکداری اسلامی*، ۷، ۷-۴۰.
۳. امجدی، کاظم و شافعی، احسان (۱۳۹۶). تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار کشورها (مکانیزمی جهت ارتقای بهره‌وری). *مدیریت بهره‌وری*، ۱۱(۴۱)، ۲۲۳-۲۰۱.
۴. بهرامی، جاوید و قریشی، نیره سادات (۱۳۹۱)، «تحلیل سیاست پولی در اقتصاد ایران با استفاده از یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی»، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، شماره ۱۳، صفحات ۲۲-۱.
۵. بیگدلی، وحید؛ سیاح، سید امیر؛ شهبازی، موسی و نعیمی، زهرا (۱۳۹۵). پایش محیط کسب و کار ایران، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. بیگدلی، محمد؛ اسماعیل‌زاده مقری، علی و دامن‌کشیده، مرجان (۱۳۹۸). آزمون تجربی تأثیر ریسک فضای کسب و کار بر رابطه بین ریسک اعتباری و عملکرد مالی در صنعت بانکداری ایران. *اقتصاد مالی*، ۴۸، ۱-۳۵.
۷. جاوید، محمدرضا و مندجین، محمدرضا (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی شرایط عقود اسلامی و قراردادهای پشتیبانی بانکداری اسلامی (مورد مطالعه: بانک شهر). *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، ۶(۲)، ۳۱-۱۹.
۸. جعفری صمیمی، احمد؛ یحیی‌زاده فر، محمد و نجف‌پور، آریا (۱۳۹۴). تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب. *کنفرانس بین‌المللی تحقیق و توسعه در علوم انسانی. مدیریت و اقتصاد*.
۹. حساس یگانه، یحیی، باباجانی، جعفر، تقوی فرد، محمدتقی و آرین پور، آرش (۱۳۹۷). مدل عملکرد پایدار کسب و کار در ایران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷(۲۷)، ۱۸۱-۲۰۴.

۱۰. حسینی، زهرالسادات (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مدل‌های کسب و کار بر عملکرد بانک‌ها در صنعت بانکداری ایران، سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری ایران، قم، <https://civilica.com/doc/773630>
۱۱. سالاری، ابودر (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار. *مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۹ و ۱۰، ۱۱۱-۱۳۰.
۱۲. سیدجوادین، سیدرضا، صفری، محمد، راعی، رضا، ایروانی، محمدجواد (۱۳۹۶). ارائه مدلی مفهومی برای تبیین آمادگی بانکهای تجاری ایران به منظور پیاده سازی بانکداری اسلامی: به کارگیری استراتژی بنیاد داده، مدیریت بازرگانی: دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ۹(۴)، ۱۵۴-۱۲۹.
۱۳. سیف، ولی الله (۱۳۹۵). فضای کسب و کار. *نشریه تازه‌های اقتصاد*، ۱۳۲(۹)، ۵۹-۶۳.
۱۴. شاهین پور، علی و کارابولت، کرم (۱۳۹۸). عقود بانکداری اسلامی و فضای کسب و کار در ایران. *مدیریت کسب و کار بین‌المللی*، ۲(۲)، ۲۱-۴۱.
۱۵. شریف‌زاده، سعید (۱۴۰۱). تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی با تأکید بر تسهیلات بانکی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور، مرکز کرج.
۱۶. شیبانی اصل، نسیم، دلیلی، امیر و موسوی، زهراسادات (۱۴۰۰). توسعه پایدار در کسب و کار. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
۱۷. فشارکی، فرزاد، صحت، سعید، موسوی، سیدمحسن (۱۳۹۶). بررسی تأثیر گرایش کارآفرینانه بر رشد کسب و کار از طریق برندسازی. *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، ۲۳(۱۱)، ۵۷-۷۹.
۱۸. قربانی، فاضل، سرلک، احمد و حاجی، غلامعلی. (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه انسانی و فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی استان‌های ایران. *مدلسازی اقتصادی*، ۱۴(۲ (۵۰ پیاپی))، ۱۵۳-۱۷۶.
۱۹. قوامی، سیدحسن، سیدنورانی، سیدمحمد رضا، محمدی، تیمور، رنجبر، منصور، (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی اثر علامت دهی متغیرهای قراردادهای مالی بدهی و مشارکتی، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۲)، ۴۲۴، ۲-.
۲۰. گودرزی، مریم، قاضی نوری، سیدسروش، رادفر، رضا و کبریایی زاده، عباس (۱۴۰۰). تحلیل مدل کسب و کار هشت شرکت بخش زیست دارو در ایران. *مدیریت نوآوری*، ۱۰(۱)، ۷۵-۱۰۰.

۲۱. محرم‌اوغلی، امید (۱۳۹۵). تأثیر عملکرد بانکداری بر رشد بخش‌های صنعت با تأکید بر بانکداری اسلامی: مورد مطالعه کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. پایان نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی.
22. Abdul Manap, T. A. Abduh, M. & Omar, M. A. (2012). Islamic Banking-Growth Nexus: Toda-Yamamoto and Bootstrap Granger Causality Test. *Journal of Islamic Finance*, 1, 59-66.
23. Al-Jarrah I., Molyneux, P (2005). Efficiency in Arabian Banking. In: Iqbal M, Wilson R (eds) *Islamic Perspectives on Wealth Creation*, Edinburgh University Press, Edinburgh, 97-117.
24. Al-Oqool, M. A., Okab, R and M. Bashayreh (2014). Financial Islamic Banking Development and Economic. *Journal of Business & Financial Affairs*, 14(2), 1-7.
25. Alshammari, SH (2003). Structure-Conduct-Performance and Efficiency in Gulf Co-operation Council. PhD Thesis, University of Wales, Bangor.
26. Bakhita, H. (2017). Impact of Islamic Modes of Finance on Economic Growth through Financial Stability. *Journal of Business & Financial Affairs*, 1, 1-7.
27. Barro, R. (2012). Human capital and growth in cross-country. *Regressions. Swedish Economic Policy Review*, 6(2): 237-277.
28. Cihak, M., Hesse, H (2008). Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis,” IMF Working Paper 08/16 (Washington: International Monetary Fund). Published also in IMF Survey Magazine, International Monetary Fund (May 19, 2008).
29. Dusuki, A. W (2008). Understanding the Objectives of Islamic Banking: a Survey of Stakeholders Perspectives, *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 1(2), 132-148.
30. Goaiad, M., and Sassi, S (2010). Financial Development and Economic Growth in the MENA Region: What about Islamic Banking Development, working paper. Growth: A Case Study of Jordan, *International Journal of Economics and Finance*; 6(3), 72-79.
31. Johnson, K. (2013). The Role of Islamic Banking in Economic Growth. CMC Senior Theses. Claremont Colleges.
32. Karbhari, Y., Naser, K. & Shahin, Z. (2004). Problems and Challenges Facing the Islamic Banking System in the West: The Case of the UK. *Thunderbird International Business Review*, 46 (5), 521-543.

33. Maher, H. & Dridi, J. (2010). The Effects of the Global Crisis on Islamic and Conventional Banks: A Comparative Study. IMF Working Paper, Monetary and Capital Markets Department & Middle East and Central Asia Department.
34. Sarker, A. A. (2004). Concept and ideology, Issues and problems of Islamic banking. Islami Bank Bangladesh Limited.
35. Torki M. A., Ateyah, M. A. & George, N. S. (2015). The Impact of Islamic Finance on Some Macro Economic Variables. (A case study of Jordan Islamic Bank). *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 1, 10-30.
36. World Bank (2018). *Doing Business: Smarter Regulations for Small and Medium Sized Enterprises*.